

روزنامه جمهوری اسلامی؛

## سیلی دوم پیامد طبیعی سیلی اولی بود که شنیده نشد!

روزنامه جمهوری اسلامی در سرمقاله خود نوشت: درباره سیلی خوردن استاندار جدید آذربایجان شرقی، چند نکته قابل تأمل وجود دارند که نباید از کنار آنها بی تفاوت عبور کرد.

به گزارش خبرنگاران جامعه گزارش خبر به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی در سرمقاله خود نوشت: درباره سیلی خوردن استاندار جدید آذربایجان شرقی، چند نکته قابل تأمل وجود دارند که نباید از کنار آنها بی تفاوت عبور کرد.

۱- بدون تردید هرگونه اقدام خارج از ضوابط منطقی به ویژه در یک مراسم رسمی، محکوم است و سیلی زدن به استاندار یکی از بارزترین مصادیق این اقدام غیرمنطقی است.

۲- توجه به زمان و مکان این رویداد، آن را حساس تر می کند. استان آذربایجان که این روزها به دلیل شرایط خاص مرزهای شمال غرب کشورمان، بشدت مورد توجه ناظران سیاسی است، حساسیت زمانی و مکانی حادثه استانداری در تبریز را به روشنی نشان می دهد.

۳- درباره انگیزه ضارب که یک سرهنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است مطالب مختلفی گفته شده ولی تا خود او در این باره صحبت نکند نمی توان به این مطالب اعتماد کرد.

۴- نسبت دادن ماجرا به همراهی با دشمنان خارجی، عادت زشتی است که عده ای به آن معتاد شده اند و با این کار، خود را از تأمل و ریشه یابی رویدادها راحت می کنند. این روش غلط، مانع درک واقعیت های موجود می شود و اجازه نمی دهد مسئولین به آنچه در زیر پوست جامعه جا خوش کرده است پی ببرند. این، یکی از خطرناک ترین تهدیدهای است که باید توجه همه را جلب کند و در بررسی ها پرداختن به ریشه های درونی را بر سایر امور مقدم بدارد.

حتی دادگاه ها، اعم از عادی و نظامی، هم باید با استفاده از کارشناسان صاحب نظر در جامعه شناسی، به لایه های پنهان رویدادهائی که با اقدامات مجرمانه مرتبط هستند به انگیزه های واقعی مرتکبین پی ببرند تا علاوه بر قضاوت بهتر، بتوانند راه های پیشگیری از جرم را نیز کشف کنند. با این روش می توان به امنیت و سلامت جامعه کمک کرد و زمینه را برای حکمرانی عادلانه و مردمی فراهم ساخت.

۵- سیلی زدن، برخوردهای فیزیکی با افراد، ایجاد تشنج، ضرب و شتم، اهانت به کسانی که نظر یا عملی غیر از برخوردکنندگان دارند و حتی تعرض به بزرگان در سطح مراجع که همواره مورد احترام همگان بودند و هستند، یکی از عاداتی است که در سال های بعد از انقلاب رواج یافته و زیان های زیادی نیز به بار آورده است.

اکنون زمان محکوم کردن این و آن و مطرح ساختن گلایه های مربوط به گذشته نیست، ولی می توان برای تصحیح این فرهنگ غلط که با واقعه استانداری تبریز به مرحله جدیدی رسیده است، گام مهمی برای پایان دادن به این روش غیراصولی و خلاف اقتضائات انقلاب اسلامی برداشت. منظور از مرحله جدید اینست که با آنچه در تبریز رخ داد، مشخص شد که درگیری ها اکنون به درون یک قشر از مهم ترین بخش های امنیتی و حفاظتی کشور رسیده است. در این واقعه، ضارب و مضروب هر دو سپاهی بودند و این درست همان چیزی است که هرگز نباید رخ می داد. روشن بود که آن فرهنگ غلط به چنین مراحل خطرناکی هم خواهد رسید. اینجا دیگر جای درنگ نیست و با قید فوریت باید این بیماری مزمن را معالجه کرد. البته نه با داغ و درفش بلکه با تغییر نگاه.

۶- برخلاف تصورهای ظاهری، این سیلی که به صورت یک سردار سپاه نواخته شد، اولین سیلی نبود. اولین سیلی هنگامی به صورت سپاه نواخته شد که سپاهیان را به عرصه سیاسی و پذیرش مسئولیت های اجرائی آوردند و آنها را به جای آنکه مسئول امنیت ملی باشند، مسئول آب و نان و برق و گاز مردم کردند. سیلی تبریز، دومین سیلی بود که به صورت سپاه نواخته شد و این، پیامد طبیعی همان سیلی اول بود. صدای سیلی اول متأسفانه شنیده نشد.

۷- کسانی که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به عرصه های سیاسی و اجرائی می کشانند، حتی اگر این کار را با حسن نیت هم انجام دهند، باید بدانند که دوستان واقعی سپاه نیستند. وظیفه ذاتی سپاه ورود به مسائل سیاسی و اجرائی نیست همانگونه که امام خمینی مکرراً بر این نکته تأکید کردند. تفسیر نادرست سخنان امام و پناه بردن به توجیهاات غیرموجه، عاقبتی جز سیلی تبریز ندارد. بزرگان کشور و بزرگان خود سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، این نقطه نظر که سپاهیان باید به وظایف ذاتی خود برگردند تا از آفات مصون بمانند و خدمات بزرگشان برای همیشه با درخشان ترین و برجسته ترین حروف بر پیشانی تاریخ این مرز و بوم بماند، را دوستانه ترین خیرخواهی برای سپاه بدانند.